

بررسی و تحلیل نقش طبیعت در ساختار معماری و شهرسازی اسلامی

سعید ملکی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

جعفر سعیدی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

j.saeedi@mailfa.org

تاریخ پذیرش: 1394/6/9

تاریخ دریافت: 1394/4/4

چکیده

طبیعت، به‌عنوان بستر نخستین شکل‌گیری فضاها و عناصر مصنوع است که کوچک‌ترین مداخله از سطح مناسب‌سازی و دسترسی‌پذیری تا دخالت‌های گسترده کالبدی در خلق سکونتگاه‌های شهری مؤثر می‌افتد. حضور طبیعت در شهر موهبتی است که شهرها با شناخت و نقش‌دهی به مؤلفه‌های طبیعی بستر خود می‌توانند به پایداری برسند. در این راستا، هدف تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل نقش طبیعت در ساختار معماری و شهرسازی اسلامی است. این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی ژرفانگر و از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، به تدوین چهارچوب نظری مفاهیم طبیعت و شهرسازی اسلامی می‌پردازد و با روش مقایسه تطبیقی و تحلیلی معیارهای طبیعت و شهرسازی اسلامی را استخراج می‌نماید. نتایج، بیانگر آن است که ساختار شهرسازی اسلامی به تبعیت از نظم طبیعت و به وجود آمدن نیازهای جدید دایم در حال تغییر و در عین گوناگونی دارای وحدت و با تمام اجزای طبیعت در سازگاری است.

واژگان کلیدی: پایداری، شهرسازی اسلامی، طبیعت، نظم طبیعی، وحدت

مقدمه

شهر قبل از اینکه کالبدی فیزیکی و بی جان باشد، محل زیست انسان است، تجلی گاه اصول و ارزش های فرهنگی و مورد باور انسان است و نمایشی از نحوه نگرش انسانی به طبیعت است (نقی زاده، 1385: 58). شهرها در طول تاریخ تا به امروز به عنوان نماد غلبه انسان بر دشواری های زیست در طبیعت ترسیم شده اند؛ زیرا شهرها همواره پهنه های انسان ساخت بوده اند که با تغییر و دگرگونی کامل پهنه های طبیعی شکل گرفته اند (Benton and Short, 2008). انسان از دیرباز با طبیعت ارتباط داشته و در بسیاری از اساطیر خود از عناصر طبیعت بهره جسته است. داستان های آفرینش در جوامع باستانی سرشار از حضور عوامل و عناصر طبیعی هستند. در بسیاری از ادیان آسمانی عناصر طبیعی مقدس شمرده شده اند و این ارتباط تا حدی پیش رفته است که برخی درختان و چشمه ها مورد پرستش قرار می گرفتند. با وجود این ارتباط قوی همواره هنگام بحث در خصوص ساختار و عناصر هویت بخش منظر شهری¹، تنها عناصر مصنوع شهر مورد تأکید قرار می گیرند (قوام پور، 2013: 2). عناصر طبیعی در هر حال به عنوان ظرفیت ها و توانایی های بالقوه ایجاد و تشدید انگیزه این دخالت ها محسوب می شوند و شرایط مناسب توسعه کالبدی هر منطقه ای را برای استفاده و استقرار کاربری خاص بیان و فراهم می سازند. سپس می توانند با تلفیق فضاهای انسان ساخت با عناصر طبیعی، مجموعه هایی از بدیع ترین مناظر تا بدترین چشم انداز بصری² به خود بگیرند (یزدگرد، 1390: 80). امروزه انسان معتقد به تطابق خود با طبیعت، در چارچوب حفظ و پایداری محیط است. شاید به جرأت بتوان گفت که امروزه اصلی ترین وظیفه انسان حفظ و نگهداری تعادل های محیطی است (بحرینی و ترشیزی، 1378: 58). طبیعت، بستر شکل گیری شهر است و هر چقدر هم که محیط، انسان ساخت باشد در آن حضور دارد. در مقیاس کلان، تأثیر طبیعت بر شهرهای سنتی شکل و موقعیت استقرار آن ها را که در حقیقت پاسخی به نیروهای طبیعی بستر است، در بر می گیرد (مجتهدی، 1389: 14). در این میان تأثیر عامل جهان بینی و ارزش های دینی و مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری، در دوران متفاوت تاریخی حائز اهمیت بوده است. بدون شک هر قدر ایدئولوژی دینی ریشه دار و با طبیعت و نهاد خواست و تمایلات انسان ها نزدیک تر باشد و هماهنگی بیشتری از خود نشان دهد، از قدرت و توان فزون تری برخوردار است و پدیده های برانگیخته از آن نیز تداوم بیشتری دارند. بر همین اساس، پدیده های محیطی منبث از ایدئولوژی الهی اسلامی، با روح و جان آدمیان سازگاری بیشتر و طبیعی تری دارند (بزی، 2013: 2). مسائل جهان بینی یا چگونگی نحوه نگرش به جهان، عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف مادی جهان و عامل محیط یا اقلیم، عواملی هستند که به گونه ای زنجیروار به یکدیگر

وابسته‌اند و از زمانی که بشر یکجانشین شد، دولت را سامان داد و شهر را بنا کرد (حبیبی، 1386: 4-3). این تحقیق در پی کشف رابطه نقش طبیعت و شهرسازی با جهان‌بینی اسلامی است. ساختار کلی تحقیق به‌طور خلاصه شامل روش تحقیق، تعاریف و مبانی نظری تحقیق در زمینه مفهوم شهرسازی و طبیعت، شناسایی عناصر و پدیده‌های طبیعی هویت‌بخش شهرسازی اسلامی و در نهایت نتایج تحقیق ارائه گردیده است.

بیان مسأله

امروزه علاقه به طبیعت و میل به نزدیک شدن به عناصر آن احساس‌هایی است که سراسر جهان شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته را فراگرفته است و نظریه‌پردازان معماری در حال ارائه دیدگاه‌هایی جهت ادغام کارآمد هستند و با ایجاد نهضت واحد حفظ محیط‌زیست و تاریخ می‌کوشند تا تجمع‌های زیستی انسان را تداوم بخشند (لینچ، 1384: 341). شهرسازی سنتی به لحاظ تفکرات خداجویانه و آسمانی مستتر در خود گرایش طبیعت‌گرایانه¹ در رابطه با زیبایی طبیعت و نقشی که در تذکر دهی به انسان و توجه به معبود دارد را در خود می‌پروراند. درحالی‌که شهرهای مدرن با به‌کارگیری ماشین و تکنولوژی و در نظر گرفتن ابعاد، تناسب و رنگ با به رخ کشیدن مظاهر توان انسان، فاقد زیبایی هنری هستند و اغلب در آن‌ها زیبایی زودگذر و متمایل به شگفتی وجود دارد. در حالی که شهرهای سنتی مردم‌گرا هستند و روح تعاون و همیاری و وحدت شامل وحدت انسان و محیط طبیعی، وحدت انسان و محیط مصنوع، وحدت طبیعت و عناصر مصنوع در آن‌ها کاملاً محسوس است ولی در شهرهای امروزی نشانی از معیارهای شهر توحیدی نیست (رفیقدوست و شهابیان، 1387). در این میان، تغییرات ایجادشده در طبیعت به‌وسیله فعالیت‌های انسان‌ها، به تردید و ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به طبیعت منجر شده است و به دنبال آن، اخلاق زیست‌محیطی با تعریف مجدد بایدها و نبایدها در ارتباط با محیط‌زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن مواجه شده است (Abaidoo, 1997: 305). تحقیق حاضر به بررسی و ارزیابی رمز و رازهای عملکرد طبیعت در معماری و شهرسازی از دیدگاه اصول اسلام می‌پردازد و درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است؛ رویکرد معماری و شهرسازی اسلامی به طبیعت چگونه است؟ و عناصر طبیعت در سیمای کالبدی شهرسازی اسلامی دارای چه عملکردی هستند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اسلام همواره به محیط‌زیست، عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن، از جمله: آب، خاک، هوا و گیاه توجهی ویژه داشته است؛ چنانکه قرآن کریم همواره از محیط‌زیست نام برده و ارزش آن را برای انسان‌ها یادآور شده است. قرآن، طبیعت را کتابی معرفی می‌کند که حقایق الهی در آن تجلی یافته است و دائماً انسان را متوجه پدیده‌های طبیعی کرده و آن‌ها را آیات خداوند می‌خواند. چنانکه بر اساس دستورات صریح قرآن در امر جهت‌گیری محیطی در شهر اسلامی، ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز و فضاهای گذران اوقات فراغت برای شهروندان، کنترل آلودگی‌های محیطی، تأمین آب بهداشتی سالم، توجه به پارامترهای محیطی در امر برنامه‌ریزی شهری اهمیت زیادی دارند (رحیمی، 95:1389). مطالعه طبیعت و درک محیط‌زیست شهرهای اسلامی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است؛ زیرا مجموعه‌ای از فتاوای علمای مسلمان در خصوص حفظ محیط‌زیست و آثار تاریخی و روابط بین‌شهری و کیفیت بهره‌برداری از سازه‌های معماری¹ و نحوه استفاده از معابر، آبریزها و اماکن عمومی، نصب پنجره‌ها، فاضلاب و محل ساخت اماکن صنعتی و نظافت معابر شهر و غیره، در چارچوب احکام خمس فقهی بیان و تدوین شده است (پاک، 142:1387). همچنین در سال 1969 یان مک هارگ با چاپ کتاب طراحی با طبیعت به اهمیت پیوند شهر و طبیعت مبنی بر کیفیت طراحی منطبق با شرایط محیطی تأکید خاص دارد (رضازاده، 95:1395). چنانکه هارگ، مشکل انسان امروز را در شهرهای مدرن جدا افتادگی او از طبیعت بکر و عدم توجه به نیروهای طبیعی می‌داند. چارچوب تحقیق حاضر نیز در راستای ضرورت بررسی مسائل فوق شکل گرفته و قصد آن دارد که به نقش طبیعت به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در معماری و شهرسازی اسلامی بپردازد.

روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر از روش تحلیلی- توصیفی ژرفانگر استفاده شده است. ابزار مورد استفاده تحقیق نیز مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مکتوب می‌باشد. در این راستا، ضمن مراجعه به منابع و مأخذ موجود و دیدگاه‌های مختلف و تجزیه و تحلیل آن‌ها سعی شده است و جوه ممکن مسأله مورد نظر، تحلیل شود. در واقع در تحقیق حاضر بر اساس یک روش بررسی منطقی و انجام توصیف و تحلیل، نسبت به دستیابی به اهداف تحقیق اقدام شده است.

پیشینه تحقیق

مطالعه پژوهش‌های قبلی صورت گرفته در هر زمینه تحقیقی می‌تواند برای محقق جهت شناخت موضوع و تطبیق اهداف مطالعه مؤثر واقع شود. در این بخش به‌طور خلاصه بخشی از آثار داخلی و خارجی که مرتبط با موضوع تحقیق هستند در (جدول 1)، اشاره می‌شود.

جدول شماره 1- پیشینه تحقیق

نام محقق	سال انجام تحقیق	موضوع تحقیق	هدف و نتیجه تحقیق
یان ال. مک هارگ ¹	1969	طراحی با طبیعت	مک هارگ به طبیعت و تلفیق شهر با طبیعت می‌پردازد و تأثیر تکررات و ایدئولوژی‌ها را در حفظ محیط مطرح می‌کند. از دید او اسلام انسان را بر حفظ طبیعت تشویق می‌کند در حالی که یهود و مسیحیت بر غلبه و فتح طبیعت پای می‌فشارند.
بتون شورت و جان شورت ²	2008	شهرها و طبیعت	ارتباط میان شهرها و محیط‌زیست در نگاه اول تنها ارتباط میان دو واقعیت کاملاً فیزیکی و محسوس است، اما همین ارتباط کاملاً متأثر از فرایندهای سیاسی و اقتصادی و جریان‌های فرهنگی است و بر روی آن‌ها تأثیر نیز می‌گذارد. مطالعات شهری در ارتباط با محیط طبیعی عمدتاً بر اساس درک شهر به‌عنوان یک اکوسیستم است: در نظر گرفتن تمامی عناصر سازنده شهر به‌عنوان یک مجموعه.
امین زاده و نقی زاده	1382	الهام از طبیعت در ایجاد محیط زندگی اسلامی و الهام از میراث طبیعی در ساخت محیط زندگی	دیدگاه‌های مختلف در رابطه با طبیعت و ساخت شهر آورده شده است.
نقی زاده	1384	جایگاه طبیعت و محیط‌زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی	در این تحقیق مباحث مهمی درباره مفاهیم طبیعت و عناصر آن و رابطه آن با شهرها ارائه شده است.
شاطریان و همکاران	1393	طبیعت و شهر در تعالیم و فرهنگ اسلامی	شهر یا جامعه اسلامی معطوف به اصول و مبانی و نوعی نگرش خاص نسبت به هستی، طبیعت، انسان، آخرت و خدا است. این مبانی و اصول اساساً ویژگی‌ها و خصلت‌های شهر اسلامی را توضیح می‌دهد. شهری که نظم اجتماعی‌اش منگی به چنین نگرش و اصولی باشد و روابط افراد بر مبنای آن شکل پذیرفته باشد، شهری اسلامی است و شهری که نظم و روابط اجتماعی‌اش مبتنی بر این اصول نباشد، شهری اسلامی نیست.

منبع: (نگارندگان با تلخیص)

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

2. Ian L. MC Harg

3. Benton and John shorts shorts

شهرسازی اسلامی

شهرسازی مشتمل بر مبانی نظری تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید طراحی، برنامه‌ریزی در ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند نیز هستند. باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) هستند. در این متون بر اساس یک سری زمینه‌ها و موضوعات کلی، عبارت از نقش انسان در زمین، ارتباط اجزا و عناصر جهان هستی، هدف غایی حیات انسان، ارتباط انسان با عالم وجود و جهان‌بینی او است؛ اما مهم‌تر این‌که این اصول باید با اصول حاکم بر عالم که توسط خداوند بنا نهاده شده‌اند هماهنگ یا تفسیری از آن‌ها باشند. علت این امر هم آن است که انسان خلیفه خداوند در زمین و امانت‌دار او است. به این ترتیب اعمال او رنگ و صبغه الهی به خود بگیرد (نقی زاده، 2013: 26). همچنین شهرسازی اسلامی با دریافت‌های ویژه اسلامی، نمی‌تواند تنها با مسجد و بازار یا شیوهی هم‌آمیزی آن‌ها شناخته شود. اسلام پشتیبان و آوازه گر شهر و شهرنشینی است. تا آنجا که پژوهشگران غربی چون جوزف ارنست رنان و ویلیام مارسز¹ بیان کرده‌اند کرده‌اند که اسلام از پایه، دینی شهری است (*Abu-Lughod, 1987: 156*).

طبیعت و عناصر سازنده آن

در فرهنگ لغات آکسفورد واژه «*Nature*» به معنی کل جهان و همه مخلوقات به غیر از چیزهای ساخته دست بشر آمده است. واژه لاتین «*Nature*» از ریشه «*Nat*» به معنی «زادن و زاده شدن» گرفته شده است و این خود مفهوم کهن زاینده‌گی طبیعت و فرزندگی ما را تأیید می‌کند. طبیعت اولیه، طبیعتی است که انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به طبیعت ثانویه نکرده باشد، انسان با دست‌های خود طبیعت ثانویه را در درون جهان به وجود می‌آورد. باغ‌ها نیز طبیعت سوم هستند، زیرا باغ‌ها بیان آگاهانه از طبیعت‌های اولیه و ثانویه² و یا یک تفسیر هنری از مکانی خاص و برای مردمی خاص‌اند. طبیعت به عناصر مادی و فیزیکی محسوس منحصر و محدود نمی‌شود، بلکه واجد مراتب ماورای کالبد خویش نیز می‌باشد که از آن‌ها به اصول حاکم بر طبیعت و همین‌طور ملکوت عالم تعبیر می‌شود (رحیمیون، 1390: 95).

1. Joseph Ernest Renan and William Marsz
2. Natures of primary and secondary

اجزا و عناصر طبیعت

در مطالعات شهری عناصر و ویژگی‌های محیط طبیعی شامل موقعیت جغرافیایی، حدود جغرافیایی، ساختمان زمین‌شناسی، توپوگرافی و ناهمواری‌ها، آب‌وهوا، منابع آب (آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی)، خاک و پوشش گیاهی است (رهنمائی، 1369). طبیعت متشکل از اجزاء و عناصر و اصول و قوانین و زمینه‌های اصلی متفاوتی است که در دو گروه "کالبد" و "قوانین حاکم بر کالبد" قابل طبقه‌بندی است. کالبد اجزاء فیزیکی می‌باشد که به‌صورت عناصری همچون آب، خاک، گیاه، هوا، نور، جانداران و مانند آن تجلی یافته است. قوانین حاکم بر طبیعت خط سیر هر یک از اجزاء طبیعت، رابطه آن‌ها با یکدیگر و تأثیراتشان بر یکدیگر را تبیین می‌نماید. طبیعت و عناصر آن از نظر تعالیم اسلامی به‌عنوان آیات الهی و نشانه‌های قدرت و علم خداوندی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در قرآن کریم، نور، نماد و نشانه بسیاری وجوه است، آب، ماده اولیه حیات و عامل اصلی در اعمال دینی (وضو، غسل، تطهیر، شستشوی اموات) است. سایه، فقدان نور است و در بهشت و دوزخ دارای معانی متفاوتی است. باد (هوا)، بشارت‌دهنده رحمت الهی و همچنین نزول عذاب الهی است. خاک، ماده اولیه خلقت انسان و جایگاه نهایی جسد آدمی و عامل پاکی و آمادگی انسان برای انجام فرایض دینی است و گیاهان نمادی از بهشت و یادآور و دلیلی بر معاد است و حیوانات، به‌عنوان آیات الهی مطرح است. سایر عناصر طبیعی مانند کوه‌ها، آسمان (ماه، خورشید و ستارگان) نه تنها برکات مادی دارند، بلکه عاملی در جهت تقویت تفکر و تذکر هستند و عامل آگاهی به زمان و مکان و جهت نیز می‌باشد (نقی زاده، 1384).

نظریه ساخت طبیعی شهر¹

اساس این نظریه بر ویژگی‌های جغرافیایی شهر استوار است؛ بدین‌سان که مشخصات طبیعی شهر و خصوصیات فرهنگی مردمی که در آن زندگی می‌کنند ساخت حوزه طبیعی شهر را مشخص می‌کند. این نظریه به طبیعت انسان و فرهنگ او بیش از موقعیت فیزیکی سکونتگاه‌های شهری اهمیت می‌دهد. به‌عبارت دیگر، ساخت شهر یک ساخت گروهی و اجتماعی است. اصول کلی نظریه حوزه طبیعی شهر، درباره جامعه شهری و ساخت شهر این است که پیروان و افراد یک مذهب، یک نژاد، یک ملت یا یک گروه ویژه فرهنگی می‌کوشند در حوزه هم‌کیشان و هم‌نژادان خود زندگی کنند. البته این نظریه بر ساخت مناطق داخلی شهرها بیش از شکل فضای کلی آن‌ها تأکید می‌کند و می‌تواند تنها به‌عنوان یک نظریه

تکمیلی همراه با نظریه‌های دیگر به کار گرفته شود (شکویی، 1392: 517-518). این نظریه مورد قبول بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است و در حقیقت مبحثی تکمیلی است که مورد قبول بسیاری از شهری بخصوص کسانی که تکیه بر مسائل طبیعی و اکولوژیک دارند (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سناجردی، 1382: 96).

ارتباط میان شهرها و طبیعت

مطالعات شهری در ارتباط با محیط طبیعی عمدتاً بر اساس درک شهر به‌عنوان یک اکوسیستم است. در نظر گرفتن تمامی عناصر سازنده شهر به‌عنوان یک مجموعه بر اساس همین محور هدف شناخت رابطه دوسویه شهر و طبیعت در طول تاریخ بوده است. شهرها در طول تاریخ تا به امروز به‌عنوان نماد غلبه انسان بر دشواری‌های زیست در طبیعت ترسیم شده‌اند؛ زیرا شهرها همواره پهنه‌های انسان‌ساخت بوده‌اند که با تغییر و دگرگونی کامل پهنه‌های طبیعی شکل گرفته‌اند. شهرهای کنونی با آسیب‌هایی نظیر تأمین انرژی و آب، انواع آلودگی‌ها، تغییرات اقلیمی، فضاهای سبز عمومی روبه‌رو هستند. آسیب‌های زیست‌محیطی شهرها، عمدتاً متوجه گروه‌های شکننده اجتماعی است (Benton and Short, 2008). شوماخر بر این باور است که سیاره ما که در واقع سرمایه اصلی انسان است، به‌واسطه «تولید بیش از حد» در معرض خطر قرار دارد و در حقیقت، نژاد انسانی با سرعتی نگران‌کننده مشغول مصرف سرمایه خویش و به مخاطره افکندن مرزها و حاشیه امنیت طبیعت است که به ایجاد اختلال و فروپاشی سیستم‌های طبیعی¹ که وظیفه پشتیبانی از حیات انسان را به عهده دارند، خواهد انجامید (گلکار، 1379: 45). امروزه تمدن اکولوژیکی² در پی معنای عمیق‌تری می‌باشد و دوباره آن را در زندگی هارمونیک با طبیعت جستجو می‌کند. تمدن اکولوژیکی نتیجه تفکر عمیق در تمدن صنعت زده و آثار آن است و اکوسیستی³ ظرف و محملی برای تمدن فراصنعتی و اکولوژیکی می‌باشد (Mostafavi, 2010). دانشمندانی که اکولوژی به‌هم‌ریخته شهرها را مطالعه می‌کنند در واقع هدف اصلی‌شان یافتن بهترین راه‌حل برای تلفیق طبیعت درون شهر است (Erlhoff & Marshall, 2008). در این راستا تجدید حیات محیط شهری گام‌های مثبتی به‌سوی توسعه پایدار برمی‌دارد. این رهیافت بر پایداری منابع محیطی تأکید خاصی دارد و این امر را از طریق پایداری در ابعاد مختلف سیستم شهری به انجام می‌رساند (Seo, 2002: 117). همچنین، آگاهی اکولوژیکی به مردم کمک شود تا جایگاه‌شان در طبیعت و هویت فرهنگی‌شان را پیدا کنند. به همین ترتیب بتوانند رفتار مصرفی‌شان را تغییر داده و توانایی‌شان را به جهت حفاظت از اکوسیستم‌های شهری با کیفیت

2. Natural systems

3. Ecological civilization

4. Eco city

بالا ببرد (Guattari, 2008). در این راستا، رویکردهای عمده درباره ارتباط شهر و طبیعت در (جدول 2) آورده شده است.

جدول شماره 2- رویکردهای عمده به طبیعت شهری

رویکردهای عمده به طبیعت شهری	(1) رویکرد کل نگر	(2) رویکرد تفکیک شهر و طبیعت
	<p>در صورت درک و نقش دهی به زیرساخت‌های طبیعی، شهر در آرمانی‌ترین وضعیت، واجد صفت پایداری می‌شود. این امر نیازمند رویکردی کل نگر در برخورد با طبیعت شهری است. رویکردی که طبیعت و شهر را توأمان و به‌عنوان یک سیستم تلقی کند. در این تفکر سیستمی، طبیعت و شهر زیرمجموعه‌هایی هم‌تراز از یک مجموعه هستند که سلامت و بقای هر یک در گرو سلامت و بقای دیگری و نهایتاً در گرو سیستمی سالم است. در این رویکرد انسان و طبیعت هر دو آرمان هستند و مداخلات انسانی نه به دلیل توجه به یکی از این دو، بلکه بر اساس درجه سودمندی به سیستم منظر ارزش‌گذاری می‌شود.</p>	<p>آنچه به تضعیف و نهایتاً نابودی طبیعت شهرها می‌انجامد، رویکرد تفکیک انسان و مصنوعات او (شهر) از طبیعت با برترانگاری یکی از این دو حوزه است. جدایی بین خود و محیط اطراف آن‌گونه که دکارت مطرح می‌کند، پدیده‌ای است که به‌طور خاص در فرهنگ‌های آمریکای شمالی و اروپا مورد توجه قرار دارد. بر طبق این رویکرد، محیط طبیعی عینیتی است در تقابل با ذات انسان. حال برتری با انسان باشد یا با طبیعت، این برخورد شیء گونه با طبیعت موجب مشکلات عدیده‌ای است به‌ویژه زمانی که در تعامل با طبیعت، اصالت به انسان داده شود و حدود اختیارات او در برآوردن منافع انسانی از طریق دخل و تصرف در طبیعت، بی‌حد و حصر قلمداد شود. به‌زعم سایمون بل¹ زمانی که ما با انسان‌ها به طبیعت به‌عنوان یک شیء یا طرف مقابل نگاه می‌کنیم یا طرف مقابل نگاه می‌کنیم: "باید آن را رام کرده یا شکست دهیم. مخصوصاً هنگامی که نیروهای سرکش آن یعنی آتش، سیل، زلزله و طوفان، محصول فعالیت‌مان را که به گمان خودمان مهم‌ترین چیز است از بین می‌برد. این موضوع نشانه عدم درک فرایندهای منظر و خصوصیات فرهنگی اطراف‌مان است.</p>

منبع: (مجتهدی، 1389: 14-15)

در ادامه، نکاتی مهمی که در تجربیات گذشته جهان در رابطه با ارتباط بین شهر و طبیعت بوده است، در (جدول 3)، آمده است. مطابق جدول مذکور، در اکثر این‌گونه طرح‌ها، استفاده از اراضی بایر و مخروبه به‌عنوان پتانسیل ارتباطی شهر و طبیعت به چشم می‌خورد. همچنین استفاده مناسب از شیب و توپوگرافی طبیعی و مصنوع شهر جهت ایجاد ارتباط بین ابنیه شاخص و همچنین ارتباط بصری شهر و طبیعت، مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از محور پیاده و کاهش استفاده از وسایل نقلیه موتوری در مراکز شهری نیز یکی از عوامل و روش‌های ارتباطی شهر و طبیعت اطراف بوده است (جوهری و همکاران، 1392: 192).

جدول شماره 3- تجارب ایران و جهان در رابطه با ارتباط شهر و طبیعت

اصول ارتباطی	نمونه موردی	تجارب ایران و جهان در رابطه با ارتباط شهر و طبیعت
ساخت یک سری از کانال‌ها و مجاری آب، جهت توزیع و مدیریت عمومی آب	شهر رم	
کاهش شیب در قسمت‌های مختلف (به اندازه) چهار فوت تا بین بادمان‌های دو پایانه ارتباط بصری ایجاد شود	میدان دل پوپولو ¹	
ارتباط میدان و باغ‌های پنجو در شرق میدان از طریق یک پلکان عظیم، یک شیب راه و یک آبشار	در رم	
ارتباط میدان و رودخانه در غرب از طریق ساخت خیابانی در محور پلکان و شیب راه مذکور		
ارتباط و گسترش محوری محور شانزلیزه با طبیعت اطراف		
ارتباط محور مذکور با رودخانه سن		
جهت‌گیری محورها و ابنیه مهم به موازات یا غالباً به صورت مایل یا عمود بر رود سن	پاریس	
پاک‌سازی محوطه اطراف بناهای تاریخی که با بافت شهری فشرده احاطه شده بود و بهره‌مندی از شیب زمین و تپه‌ها برای افزایش حوزه دید ابنیه مهم شهر پاریس		
اتصال طرح شهر به نیروی اصلی منطقه، یعنی رود پوتوماک	طرح لانفان ² برای واشنگتن	
مکان‌یابی عناصر اصلی مصنوع در نقاط مرتفع شهر و ایجاد دید از نقاط مذکور به رودخانه و سایر نقاط شهر		
استقرار محور اصلی ارتباطی پیاده شهر به عنوان رابط عناصر و عملکردهای اصلی (در منطقه‌ای) پایین‌تر از بخش‌های مختلف شهر		
اتصال پیاتزا و رود آرنو از طریق خرابه‌ای در میان آندو	پیازا دلاسنیورا ³ در فلورانس ایتالیا	
طراحی کاخ اوفیستی به عنوان حلقه پیوند پیازا (مرکز شهر) و رود آرنو		
کاخ اوفیستی، حرکت عمودی از میدان را با حرکت بر کناره بستر رود آرنو درهم می‌آمیزد و در نتیجه حضور رود را به نمایش می‌گذارد.		
ارتباط متقابل آب‌نمای باستانی، هم با کلیسای جامع از یک سو و هم با تالار شهر از سوی دیگر	شهرک پروجا بر فراز تپه اومبریان	
ایجاد فشار فضایی توسط خیابان منشعب از میدان مشرف به طبیعت اطراف شهر		
ایجاد دو میدان در هر طرف یک بنای عمومی، در سوی دیگر خیابان رابط منتهی به طبیعت		
ایجاد تفرجگاه‌هایی با چشم‌اندازهای گسترده از سرزمین اطراف در سرتاسر حصار زاویه‌دار شهر		
ایجاد سازه جدید دانشکده (نیروی دریایی سلطنتی) بین بنای قدیمی کوئینزهاوس و رودخانه تیمز، توسط کریستوفررن	مجرای فضای کریئوچ	
کریستوفررن حجم کوئینزهاوس را گرفت و آن را به جلو، به جانب رودخانه افکند تا مجرای فضایی ایجاد کند که طرحش را مهار می‌کرد.		
تعریض فضای کنار رودخانه، کل را با مسیر حرکت در کنار تیمز پیوند می‌زد و نیروهای عمودی گنبدیهای پیشنهادی را به صورتی مشهود تا فضای رودخانه امتداد می‌داد.		
پیوند بین شهر با محلات آن سوی رودخانه و نیز محور جدید توسعه شهر (هزار جریب)، از طریق احداث و بازسازی پل‌های متعدد، در دوره صفویه برقرار می‌شود.	اصفهان	
توسعه باغ‌ها و تفرج‌گاه‌های سلجوقی در داخل باروی شهر (باغ نقش جهان) و در حوالی شهر تا رودخانه عاملی بود، در جهت پیوند شهر اصلی با نقاط پراکنده اطراف شهر		
در اصفهان رابطه بین باغ‌های شاهی و شهر از طریق دو فضای شهری میدان نقش جهان پارس و خیابان چهارباغ به وقوع می‌پیوندد، میدان در رابطه با دولت‌خانه است، در حالی که خیابان چهارباغ ارتباط با باغی در حومه را سازمان می‌دهد.		
شبکه‌بندی کاملاً فنی آب زاینده‌رود توسط شیخ بهایی و ایجاد انشعابات کثیری از آب رودخانه در سطح شهر، به		

1. Del Popolo Square
2. Lanfan plan
3. Piazza Dlasynyvrya

	نام مادی‌ها
--	-------------

منبع: (جوهری و همکاران، 1392:193)

بررسی نگرش‌ها در جهان و ایران در زمینه رابطه انسان با طبیعت را می‌توان در پنج گروه تقسیم کرد (نقره‌کار، 1381) که در (جدول 4)، اشاره شده است.

جدول شماره 4- بررسی نگرش‌ها در جهان و ایران در زمینه رابطه انسان با طبیعت

بررسی نگرش‌ها در جهان و ایران در زمینه رابطه انسان با طبیعت	<p>در این نگرش انسان ماهیتی فراطبیعی دارد و آغاز و انجام او هم طبیعت نیست، از این رو باید تا آنجا که می‌تواند از طبیعت دوری گزیند و بدان کاری نداشته باشد. نمونه‌های این دیدگاه را در نظریه عالم مُثُل افلاطون و دیدگاه صوفیان کهن و برخی عارفان و آئین هندوی است می‌توان یافت.</p>
	<p>در این نگرش آغاز انسان در همین طبیعت رخ می‌دهد و سرانجام هم می‌میرد و کالبدش به همین طبیعت برمی‌گردد. طبیعت، عناصر و پدیده‌های آن واجد ارزش شمرده می‌شود و انسان برخوردی بسیار احترام‌آمیز به طبیعت دارد و نمی‌تواند و نباید آن را بی‌الاید نمونه‌های نگرش طبیعت‌گرا را می‌توان در کیش ایرانیان باستان، برخی اقوام سرخپوست آمریکایی، یونانیان، جزء گرای، طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) سده هیجدهم و اوایل سده نوزدهم اروپا پیدا کرد.</p>
	<p>در این نگرش، طبیعت ابزار و منبع خواسته‌های بشر است. زندگی، همین نمود مادی است و انسان تا آنجا که می‌تواند باید برای بهره‌گیری بیشتر از طبیعت و چیرگی بر آن تلاش کند. سودمندترین دانش‌ها، دانش آگاهی از طبیعت و چیرگی بر آن است. مهم‌ترین نمونه این نگرش نگاه انسان غربی عصر نوگرایی (مدرنیسم) بر طبیعت می‌باشد.</p>
	<p>در این نگرش ماهیت انسان اساساً با ماهیت طبیعت یکی است. انسان جزئی از طبیعت است و جایگاه انسان از طبیعت فروتر است، پس انسان نباید هرگز در پی چیرگی بر طبیعت برآید. طبیعت، هدف نهایی است و محو شدن در طبیعت، غایت زندگی است. از نمونه‌های این دیدگاه باید به دین کهن چینی‌ها و ژاپنی‌ها اشاره کرد.</p>
	<p>این نگرش آغاز انسان را برخاسته از همین طبیعت می‌داند. ماهیت او در آغاز با طبیعت یکی است، اما انسان در پیمایش راه زندگی از طبیعت فراتر می‌رود و در پایان ماهیتی فراطبیعی می‌یابد. در این دیدگاه طبیعت، بسستر رشد و تعالی انسان از یک پدیده زمینی به یک پدیده فرازمینی است. ادیان ابراهیمی، مسیحیت، یهود و اسلام در ذات خود چنین نگاهی به طبیعت دارند و از میان آن‌ها تنها دیدگاه اسلام و مسلمانان است که هم از بعد نظری و هم بعد عملی به این دیدگاه پرداخته است.</p>

منبع: (نگارندگان با اقتباس از نقره‌کار، 1381)

طبیعت و عناصر طبیعی در کلام الهی و متون اصیل دینی

طبیعت و عناصر طبیعی

از آنجایی که یکی از اصلی ترین عناصر محیط زندگی انسان عناصر طبیعی هستند و هم چنین در خلق آثار انسانی رعایت قوانین حاکم بر طبیعت اهمیت ویژه ای دارند، در این گروه، قوانین حاکم بر طبیعت و چگونگی ارتباط انسان و طبیعت و عناصر طبیعی و معانی نمادین آن‌ها طبقه بندی خواهند شد؛ که در نتیجه، لزوم تماس با این عناصر فضاها و محیط‌های شهری به اثبات می‌رسد. در زمینه ویژگی‌های ارتباط انسان با طبیعت و اهمیت این ارتباط و نیاز انسان به آن «به ویژه در بعد مادی اش» مطالعات بسیاری انجام شده است که حتی همین مقوله نیز خود بهترین مؤید لزوم این ارتباط و توجه به آن است. تفکر و تعالیم اسلامی، نگرش ویژه و منحصر به فردی به طبیعت و رابطه انسان و طبیعت داشته است. این تفکر سراسر زمین را مسجد و محل عبادت می‌داند: «ان الله تعالی جعل لی الارض مسجداً: خدای تعالی زمین را برای من و امت من مسجد کرده است»؛ که در تفسیر آن آمده است: «و اهل معرفت الهیه چون مشاهده کردند که عالم، مسجد ربوبیت است باید مراقبت کنند که با طهارت و صفای باطن در آن قدم نهند که بساط مقدس حق را غیر مطهرین نتوانند پای نهاد». تعالیم و حیاتی قرآن کریم نیز به عنوان منبع الهام همه تعالیم اسلامی، به طبیعت و عناصر طبیعی توجهی خاص دارد. قرآن کریم عناصر طبیعی را به عنوان آیات الهی معرفی می‌کند و از آن‌ها به عنوان ابزار و وسیله شناخت، به ویژه اصول اساسی اسلام یعنی توحید و معاد، استفاده می‌کند. چنانچه در موضعی دیگر، در زمینه موضوعات مرتبط با طبیعت سه گروه موضوعات قابل طرح هستند: که عبارتند از: ارزش‌های مستفاد از طبیعت، اصول و قوانین حاکم بر طبیعت و عناصر طبیعی (نقی زاده، 1384). بنابر این می‌توان گفت که قوانین طبیعی متشکل از اصول و ارزش‌ها و صفاتی هستند که در مباحث مختلف (اصول اسلامی، اصول جهانی و صفات فعل الهی) از آن‌ها ذکری به عمل آمد. نور، باد، آب، خاک، گیاهان، جانوران، کوه‌ها، آسمان و آنچه در آن است مثل ماه و خورشید و ستارگان، عناصر طبیعی هستند که در شکل دادن محیط زندگی انسان و تلفیق با عناصر مصنوع نقش شایان توجهی ایفا می‌نمایند. با عنایت به معانی نمادین و فواید مادی و فیزیولوژیکی آن‌ها، محیط شهری باید به گونه‌ای سامان داده شود که بهره‌گیری از این عناصر و تماس با آن‌ها در مقیاس‌های مختلف و در حد لازم برای همگان ممکن گردد؛ تا علاوه بر بهره‌مند شدن شهروندان از برکات مادی آن‌ها، ایفای نقش معنوی‌شان در جهت تقویت تفکر و تذکر شهروندان نیز ممکن شود (نقی زاده، 1392: 32-31). در (جدول 5)، هدف از خلقت عناصر مختلف طبیعی در آیات الهی بیان شده است.

هدف از خلقت عناصر مختلف طبیعی در آیات الهی	آیات الهی	هدف از خلقت و کاربرد آنها
	شب، روز، خوشید، ستاره، ماه و ستارگان، آسمان	در تسخیر انسان برای بهره‌مندی از زندگی
	همه آنچه زمین است	در تسخیر انسان برای بهره‌مندی از زندگی، اشکال رنگارنگ
	دریاها	استخراج زیورهای دریا برای آراستن بدن انسان، حرکت کشتی‌ها در دریا
	کوه‌ها	زمین به لرزه و اضطراب نیفتد
	نهرها	برای راه‌یابی انسان‌ها

منبع: (صارمی و صارمی، 1390:106)

نگرش دینی و اسلامی به طبیعت در شهرسازی

در اغلب نوشته‌ها، اسلام عامل مؤثری در شکل‌گیری کالبدی و طبیعی شهر تلقی نشده و کانون توجه بیشتر به تأثیر اقلیم، ساختار عشیرتی، نیازهای دفاعی و تجاری در بافت شهر بوده است. یکی از قابل‌توجه‌ترین ویژگی‌های شهر اسلامی در مفهوم سستی آن، عبارت بوده است از هم‌سازی کامل آن با بوم طبیعی و هماهنگی آن با آب‌وهوا و سایر شرایط طبیعی و اقلیمی. شهر اسلامی هرگز به نحوی ساخته نشده است که نشان‌گر مخالف انسان با طبیعت باشد. بلکه به‌عکس، همواره هم‌ساز و هم‌سو با نیروها و عناصر طبیعت بنا شده است. نخستین اصل بازگوکننده ویژگی یا ماهیت شهر اسلامی همان سازگاری یا تطابق طرح و شکل ساختمانی شهر با شرایط طبیعی اعم از موقعیت طبیعی (توپوگرافی) و شرایط آب و هوایی بوده است. استفاده از مفاهیمی چون حیات خلوت، تراس، خیابان‌هایی پوشیده و باریک و باغ‌ها، بیانگر این شرایط بوده‌اند. این قبیل عناصر به‌منظور تطابق با شرایط آب‌وهوایی گرم حاکم بر محیط زندگی مسلمانان طراحی می‌شده‌اند (محمدی و شیخ‌بیگللو، 1387:384). در جامعه آرمانی¹ (یا شهر اسلامی) انسان با طبیعت همساز، یکسان و انیس است. شهر اسلامی به نحوی بنا و پی‌ریزی نمی‌شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دین‌دار به جهان پیرامون خود به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی‌اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی‌حد و حصر رسانند. انسان به‌عنوان موجودی مسئول در برابر طبیعت به‌منزله‌ی مخلوق خداوند، مسئولیت و وظیفه دارد (خسروی، 1389). گرچه انسان در عرصه طبیعت دخالت می‌کند اما آن را دفتری برای علم‌آموزی، معرفت، کسب دانش، عبرت، آیت و عظمت خداوند و غیره می‌بیند. در هر صورت در نگرش دینی و اسلامی به طبیعت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد (جدول 6).

جدول شماره 6- نگرش دینی و اسلامی به طبیعت و شهرسازی

<p>در شهر آرمانی دینی، فرد، جهان و طبیعت را مظهر اراده و قدرت الهی می‌داند، پایان زندگی را مرگ و نیستی مطلق فرض نمی‌کند و خویشین را در تضاد و مخالف هستی نمی‌بیند. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده‌ی پروردگار فهم نمی‌کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه‌هایش درک می‌کند.</p>	<p>اصل توحید و خدامحوری</p>
<p>در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسئولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف به حد و حصر و ارضا غرایز صرف حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آن را صرفاً به خاطر ارضای خواسته‌ای نفسانی‌اش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشین را در برابر طبیعت و هستی مسئول و موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی‌حد و حصر نیست. دین اسلام از طبیعت و جهان زیست موجودات و انسان، تصویری مخصوص به خود دارد و روابط آن‌ها را به نحوی خاص تبیین می‌کند. لذا در اسلام، طبیعت به منزله مخلوق خداوند و محل زیست آدمی و دیگر موجودات، با عظمت و ذات خود معنوی و نشانه‌ای از خالقیت و بزرگی خداوند است.</p>	<p>اصل مسئولیت و عطف به طبیعت</p>
<p>انسان به‌عنوان برترین مخلوق الهی، حق بهره‌برداری از طبیعت و منابع آن را دارد اما چنانچه قبلاً گفتیم این بهره‌برداری محدود است و محیط و طبیعت ملک خاص هیچ‌یک از افراد بشر یا نسل‌های بشری نیست که هرگونه که خواست در آن تصرف نماید طبیعت و محیط زیست، میراث همه انسان‌ها است و از نسلی به نسل دیگر انتقال و به ارث می‌رسد. آیه 37 سوره‌ی بقره دقیقاً به این نکته اشاره دارد: «و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین»</p>	<p>بهره‌برداری از طبیعت</p>
<p>انسان‌ها به بهانه توسعه، زیست و اینکه برترین موجود بر روی زمین‌اند، حق چپاول و نابود کردن منابع محیطی، زیست محیط و کره‌ی زمین را ندارند. این تصرف محدود است و نباید از حد متعادل بگذرد، چون اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر نیز گناهی گیره است. «ان المبذرین كانوا اخوان الشیاطین»</p>	<p>پرهیز از اسراف و تبذیر</p>
<p>در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که در آن به پدیده‌های طبیعی اشارات فراوانی رفته است و در غالب آن به مطالعه و تدبیر در آن توصیه شده است. از این زاویه طبیعت صرفاً برای استفاده‌ی بی‌رویه‌ی انسان خلق نشده است، بلکه در بطن و ساختار آن نشانه‌های از عظمت، بزرگی، عبرت، درس‌آموزی، نظم، انجام و آیات دیگری نهفته است که بدون تردید نشانگر عظمت خداوند است.</p>	<p>تدبیر در طبیعت و هستی</p>

نگرش دینی و اسلامی به طبیعت و شهرسازی

منبع: (نگارندگان)

در شهرهای سنتی اسلامی، بیشترین استفاده از نور، باد، سایه و موادی که در دسترس بوده به‌عمل آمده و این مواد به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته که اگر زمانی مردم شهر، شهر را ترک می‌کردند، این مواد به‌طور طبیعی به آغوش طبیعت بازمی‌گشته است (نصر، 1386: 56). علاوه بر این، در بعضی از کشورهای اسلامی شرایط خاص جغرافیایی ناشی از طبیعت بیابانی و نیمه‌بیابانی و خشکسالی‌های ناشی از آن هجوم

به شهرها را تشدید کرده و مسائلی مانند معضلات زیست‌محیطی، زاغه‌نشینی و دیگر پدیده‌های اجتماعی را به وجود آورده است (مستوفی‌الممالکی، 131:1382). در گذشته شرایط اقلیمی، اعتقادات مذهبی-اجتماعی و سنت‌های محلی، شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است. محله‌های مسکونی و چسبیده به هم و میکروکلیمای منطبق با شرایط ناحیه‌ای در عوامل اقلیمی گرم و خشک خاورمیانه با تعدیل درجه گرما و خنکی هوا امکانات مساعدی را برای زندگی فراهم می‌ساخت؛ در حالی که در سال‌های اخیر در کشورهای نفت‌خیز منطقه به سبب تأمین ثروت‌های کلان از راه فروش نفت، مورفولوژی بسیاری از شهرهای اسلامی به کلی دگرگون شده و تحت اقتصاد خدماتی شکل گرفته است که نمونه کامل آن را در شهرهای عربستان می‌بینیم (شکویی، 195:1392). کارلین مرچنت¹، استاد فلسفه و تاریخ محیط‌زیست در دانشگاه برکلی آمریکا، در مورد عقاید مسلمانان نسبت به محیط‌زیست می‌گوید: اسلام نمونه درخشانی از آگاهی‌های اکولوژیک به دست می‌دهد. در دیدگاه اسلامی انسان جانشین خداوند در روی زمین است. قرآن مجید چنین تعلیم می‌دهد که کیهان، طبیعت و محیط همگی آیاتی از آفریدگار جهان می‌باشند. در روی زمین هیچ دینی بر ضد تخریب محیط‌زیست و حیات جانداران، همچنین در برابر نابودی منابع و ثروت طبیعی اعطایی خداوند، چنین ندایی روشن در نداده است (شکویی، 64:1390).

مورفولوژی شهرهای اسلامی با تأکید بر قوانین زیست‌محیطی و طبیعی

منظور از مورفولوژی شهری، عواملی است که در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهرهای اسلامی می‌تواند دخیل و تأثیرگذار باشد که از آن جمله می‌تواند به اقلیم، نظام ناهمواری، مواد و مصالح ساختمانی موجود و قابل استفاده و غیره اشاره نمود. طبیعی است در اکثر موارد، تشابهات عوامل طبیعی نتایج مشابهی را در شکل دادن به شهرهای اسلامی به لحاظ ریخت‌شناسی موجب شده است (دانش، 15-31:1389). از مهم‌ترین عوامل که نقشه و شکل شهر اسلامی را شکل می‌دهند، نفوذ توپوگرافی²، اشکال مورفولوژی قبلی شهر و در واقع شهر اسلامی، انعکاسی از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شامل موارد می‌باشد (Saoud, 2002:9). اولین اصل اساسی تعریف‌شده ویژگی شهر اسلامی شرایط توپوگرافی است که نشان‌دهنده اتخاذ کارکردهایی مانند حیاط‌های دیواردار³، هشتی‌ها⁴، خیابان‌های سرپوشیده باریک و باغ‌ها است؛ مانند عناصری که برای قرن‌ها طراحی شده‌اند با شرایط اقلیمی گرم، بر محیط شهرهای اسلامی غلبه کرده‌اند (Hakim, 1986). همواره انتظام موجود در شهرهای کهن و سنتی مختلف در سه قالب طبیعی، هندسی و هماهنگ، نمود یافته است. بادیه گردان و روستائیان که از دیگران

1. Karolyn Merchan

1. Local Topography

2. Courtyard

3. Terrace

به طبیعت نزدیک‌ترند، نظم و انتظام طبیعی را گسترش دادند. نظم هندسی به‌مثابه گونه‌ای وحدت در وحدت با نظام کهن‌ترین شهرهای آدمی مرتبط است. نظم با نواخت و هماهنگی موجب کثرت در وحدت است، موجب شکل‌های هندسی است که در چارچوب یک هندسه فرا آگاهانه در الگوهای طبیعی با یکدیگر پیوند یافته‌اند (اردلان و بختیار، 1380:79). حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آن‌ها منجر شده است. از سوی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده‌های شهری به وجود آورده است، چه برخی از این فرهنگ‌ها به سنت‌های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل‌برانگیز است (کوننو، 1384:15). حضور عوامل طبیعی در شهرهای دوره اسلامی خود را در چهار دسته ذیل نمایان می‌کند (جدول 7).

جدول شماره 7- حضور عوامل طبیعی در شهرهای دوره اسلامی

شهرهای دوره اسلامی عوامل طبیعی	1) تأثیر آن بر مکان‌یابی شهر (نزدیکی به منابع طبیعی و یا تأثیر گذاری عواملی چون کوه و شیب و غیره در جهت توسعه و گسترش شهر)
	2) قرارگیری عناصر مقدس در میانه و هسته مرکزی شهر در کنار مسجد جامع و بازار و بقیه عناصر خدماتی شهر
	3) حضور در کنار محور اصلی شهر (چهارباغ اصفهان و باغ‌های شیراز)
	4) حضور در مراکز محلات مسکونی و مراکز عطف شهر

منبع: (قوام پور، 1392:7)

فرهنگ انتخاب مکان شهر در تعالیم اسلامی

از نظر اسکالی بهترین شهرها، شهری است که واجد پنج ویژگی باشد؛ رودخانه آب جاری، زمین قابل کشت و زرع، چوب جنگل در همسایگی، حصاری کاملاً مستحکم و قدرتی که از مردم حمایت کند (اسکالی، 1377:254). در این راستا، در بین ویژگی‌های مذکور توجه به عامل آب‌وهوا در انتخاب مکان شهر در آرمانشهر اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محققان شهرشناسی آب را عامل اصلی پیدایش شهر دانسته‌اند. طبق نظریه کارل وایتفولگ¹، پیدایش شهرها به مدیریت و کنترل آب‌ها بازمی‌گردد (عبدالستار، 1376:48). نخستین ملاک اساسی مسلمانان برای انتخاب محل شهر، آب‌وهوا بوده است و شیوه‌های خاصی در مورد کیفیت و کمیت آب مناطقی که می‌خواستند به‌عنوان شهر انتخاب کنند، تدوین نموده‌اند و نشانه‌های آب‌وهوای مناسب برای انتخاب شهر را در منابع متعددی منعکس کرده‌اند. بیتوته کردن به تناوب و دفعات متعدد در زمان‌های مختلف به مدت‌های متفاوت برای حصول اطمینان از

سازگاری آب‌وهوای منطقه با طبع انسان کیفیت خوب در محیط که قرار بود برای شهر ایجاد شود، از عوامل گزینش مکان مناسب تأسیس شهر بوده است (عبدالستار، 1376:98) از دیگر مشخصات جغرافیایی شهرهای اسلامی، در انتخاب مکان شهر، حالت درون‌مرزی بودن آن‌هاست. بدین‌سان که اغلب شهرهای اسلامی در داخل کشورها و در داخل خشکی‌های نواحی جغرافیایی به وجود آمده و به اعتبار رسیده‌اند. نظیر، ری، اصفهان، تبریز، نیشابور، قاهره، قونیه، دمشق، حلب، بغداد و موصل. یکی از دلایل درون‌مرزی بودن شهرهای اسلامی به اوایل اسلام برمی‌گردد. بدین‌سان که اغلب شهرهایی که در دوره رشد و شکوفایی اسلام به وجود آمده‌اند، در ابتدا به‌صورت اردوگاه‌های مسلمانان بودند. این اردوگاه‌ها در حاشیه صحاری به تمرینات نظامی مسلمانان اختصاص داشت. بصره کوفه و قاهره از آن جمله است. در شهرهای اسلامی، معمار مسلمان کوشش کرده است که اثرات خشونت‌بار آب‌وهوا را با طرح‌های معماری تعدیل کند. سقف پوشیده بازارها، حیاط بزرگ و پردرخت مساجد و خانه‌ها، آب‌نماها و حوض‌های بزرگ خانه‌ها، کاروانسراها، دیوارهای گلی و بلند واحدهای مسکونی و ایوان خانه‌ها، همه در جهت جلوگیری از شرایط نامساعد آب‌وهوا و زیباسازی و سالم‌سازی محیط‌زیست شهری صورت گرفته است (شکویی، 1372:191).

نظم شهری¹ با تأکید بر عوامل طبیعی در شهرسازی اسلامی

دین اسلام در برابر اقتضای اقلیمی و جغرافیایی، تابع منطق طبیعت بود و رویکردی تکثرگرا را بروز می‌داد و در برابر اقتضای فرهنگی، وجهه توحیدی و انسان‌ساز خود را فرو نمی‌گذاشت. بدین‌سان بود که در طی دوران اعتلای تمدن اسلامی، نوعی هماهنگی میان نیازها و اقتضاعات فرهنگی و اقلیمی در شکل بخشیدن به پدیده‌های شهرسازی مثل خانه‌های مسلمانان در شهرهای مختلف اسلامی بروز می‌یافت (عبدالستار، 1376:186). نظم یکی از مقولاتی است که در آموزه‌های دینی در مواضع متعددی به آن توصیه شده است. ارتباط نظم شهری با عامل طبیعی بیشتر حیطه‌ی سخت‌افزاری و معماری شهرها را شامل می‌رود. بدین معنا که برای تأسیس و تداوم شهرها دستورالعمل ویژه‌ای وجود دارد: جهت‌یابی دقیق، محاسبه و نقشه‌برداری صحیح و همچنین برخورد فیزیکی آب‌وخاک، مهم‌ترین شاخص فضاها و وسیع شهرهای اسلامی است. معمولاً این شهرها بندرگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی برای کاروان‌ها و ایجاد ارتباط با دوردست‌ها بوده است (بمات، 1369:117). در شهر اسلامی، فضا با پیچ‌وخم‌های محافظ شهر به شکل فرم‌های مدور حلزونی² است که با نقشه‌ی گسترده‌ی شهر اروپایی در تضاد است. تصویری که در اینجا به ذهن می‌رسد تصویر حلزونی است که با سطح خارجی خود محافظت می‌شود؛ سطحی صاف و محکم که

موجود زنده را در پناه می‌گیرد، راه‌های ارتباطی که گاهی مخفی هستند و در روی زمین یا در روی پشت‌بام‌ها قرار دارند، از تمام شهر، خانه واحدی می‌سازند (بمات، 88:1369).

طبیعت و گزینش خانه در شهر اسلامی

در شهرسازی اسلامی، مسکن و نوع مصالح به‌کاررفته در آن با محیط، اقلیم، نوع و سطح زندگی و مقدار نیاز زمانی ساکنین متناسب است. «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا » و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه‌هایی فراهم آورده و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی قرار داده (سوره نحل، آیه 81) «ساختار و ساختمان مسکن از لحاظ نوع مصالح و سازه‌ی آن و در نگاه اولیه و ابتدایی؛ متناسب با امکانات در دسترس، شرایط آب و هوایی منطقه مسکن مناسب است. « وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آيَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ، و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد جانشینان [آنان] گردانید و در زمین به شما جای [مناسب] داد. در دشت‌های آن [برای خود] کاخ‌هایی اختیار می‌کردید و از کوه‌ها خانه‌هایی [زمستانی] می‌تراشیدید. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید.» (سوره اعراف، آیه 74). خانه‌هایی که کالبد فیزیکی شهر اسلامی را شکل می‌بخشید از دو اقتضای اقلیمی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرفت. به دیگر سخن گرچه اسلامیت شهر اسلامی در رعایت موازین ساخت‌وساز بایستی لحاظ می‌گردید و این اقتضای فرهنگی شهر اسلامی بود، اما به فراخور توسعه قلمرو اسلام و گرویدن اقوام و ملت‌های مختلف و برخوردار از اقلیم‌های متفاوت اقتضای اقلیمی و جغرافیایی نشانه‌های خود را در مصالح و ریخت ظاهری سرای مسلمانان برجا می‌گذاشت (فیاض انوش و سنایی‌راد، 319:1387). رعایت اصل درون‌گرایی در بناها که تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله اقلیم، جغرافیا و امنیت رعایت می‌شد، به سبب انطباق با اصل حرمت خانواده در اسلام مورد تأیید و تشویق قرار گرفت و کاربرد این اصل در عموم فضاهای معماری و شهری در پیدایش بافت‌های مترکم و پیوسته شهری در بافت‌های تاریخی مؤثر بوده است (خیرآبادی، 1376: 51 - 41). همچنین در فرهنگ اسلامی شیوه و روش خاصی در رابطه با برخورد و تماس با بستر طبیعی و نظام حاکم بر آن به‌ویژه درباره شکل‌گیری مسکن در ارتباط با طبیعت ارائه شده است. در این بینش اساساً «انسان به‌عنوان خلیفه‌الله باید افعال کردار خویش خود را با بهره‌گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای تنظیم امور کائنات مقدور فرموده، به انجام برساند؛ به عبارت دیگر، انسان مانند عالم رنگ در جسم و در روح پاره‌ای از عالم کبیر است؛ در نتیجه می‌باید از قوانین عالم طبیعت پیروی کند. این مهم نه‌تنها سبب خواهد شد که افعال و اعمال انسان رنگ الهی به خود بگیرد بلکه عاملی اساسی در راه بهتر زیستن و هماهنگی فعالیت‌های او با

نظام حاکم بر طبیعت و پدیده‌های آن بوده و او را از تخریب و فساد طبیعت که خطرات و زیان‌هایش برای زندگی انسان امری آشکار است باز خواهد داشت». اصل بنیادین این تفکر هماهنگی محیط زندگی با محیط طبیعی است، چراکه هرگونه ناهماهنگی با نظام حاکم بر طبیعت و اقلیم، موجب اختلال در مجموعه بزرگتر شده و زندگی را متأثر می‌سازد (معینی، 1391: 92). به منظور جوابگویی به نیازهای اقلیمی، حیاط به عنوان عنصری تعیین کننده در خانه‌های این مناطق نقش عمده‌ای دارد. عنصر حیاط آن‌چنان در شهرهای مختلف مسلمین تکرار شد که اکثراً آن را به عنوان یکی از نشانه‌های بارز شهر اسلامی قلمداد می‌نمایند و علاوه بر اینکه ارتباط ساکنین خانه را با طبیعت تضمین می‌نمود، به صورت فرمی یگانه و بهترین پاسخ به شرایط اقلیمی، توانسته بود نیاز یک خانواده مسلمان را به محرمیت به نحو احسن تأمین نماید. (امین‌زاده، 1379: 52-40). بنابراین دفاع و اقلیم به لحاظ اهمیت بایستی به عنوان عوامل مشابه با مذهب یا باورهای اجتماعی در جدایی فضاهای فیزیکی از طریق دیوارها، حیاطها و غیره در نظر گرفته شود، اما آنچه اهمیت حیاط را به عنوان عنصر مورفولوژیک در شهرهای خاورمیانه تحکیم می‌بخشد پاسخگویی آن به محیط خشن طبیعی و متناسب بودن آن با سنت‌های فرهنگی ناحیه است (خیرآبادی، 1376: 21). معماری رایج و شهرسازی وابسته به آن در فرهنگ خانه‌سازی تابعی بود از انواع مصالح ساختمانی، دانش فنی و اعتقادات و باورهای دینی و در مناطق مختلف متناسب با آن چه طبیعت از انواع مصالح ساختمانی مانند سنگ، چوب و گل در اختیار انسان می‌گذاشت از آن‌ها استفاده می‌کرد (رهنمایی و شاه حسینی، 1384: 44)؛ بنابراین، در شهرسازی اسلامی مبتنی بر طبیعت، ساخته‌های انسانی نیز باید در راستای آفرینش حقیقت، خیر و زیبایی معنوی عالم غیب در جهان طبیعت باشد؛ چرا که آفرینش انسان تلاش برای دستیابی به غیب و آراستن جهان طبیعت بر اساس عالم غیب است، یعنی نماد توجه انسان به سنت‌های الهی و نظام جهان هستی است و این نوع توجه زاییده نیاز ذاتی انسان به «کل شدن» است که به تکامل حیات معنوی و روحی انسان در بطن جهان طبیعت می‌انجامد (بمانیان و عظیمی، 1389: 41).

معماری باغ‌سازی¹ در شهر اسلامی

باغ‌سازی به عنوان یکی از نشانه‌های طبیعت در شهرهای اسلامی به کمال خود رسید به طوری که در اغلب شهرهای اسلامی به‌ویژه در ایوان باغ‌های بزرگ و زیبا با تأسیسات آبیاری مناسب، درختکاری، آب‌نما، گل‌کاری که همه از فرهنگ جوامع اسلامی نسبت به نیازمندی‌های انسانی نشأت گرفته است وجود دارد که در شهرهای مغرب زمین کمتر بدان برمی‌خوریم. به هر حال آنچه که باعث شد مسلمانان به فکر ایجاد باغ‌های اسلامی بیفتند، گذشته از اهمیتی که در قرآن و قوانین اسلامی به آن اشاره شده، محیط

بیابانی و بی‌روح، درجه حرارت بالا، بادهای قوی و طوفان‌های شن داغ و تعالیم پیامبر (ص) را می‌توان نام برد. باغ‌های ایرانی - اسلامی یا در زمین مسطح بنا می‌شوند و باغ‌های دشتی بودند یا در زمین شیب‌دار که امکان می‌داد باغ را با آبشارها و درخت‌های بیشتر، زیباتر بسازند مثل باغ تاج نظنز، در باغ ایرانی توجه خاص به شکل‌های هندسی می‌شد و شکل مربع که فاصله بین اجزاء باغ را ساده و روشن نشان می‌داد و از اهمیت خاصی برخوردار بود. تصور ذهنی‌شان را از بهشت که به پاداش اعمال نیک به آن‌ها می‌بخشیده‌اند در باغ‌های سرسبز و خرم تجسم بخشیده‌اند (پیرنیا، 1370:4).

تفاوت نگرش به طبیعت و هستی در دیدگاه عرفانی اسلامی و دیدگاه مدرن

تفاوت نگرش به طبیعت و هستی در دیدگاه عرفانی اسلامی و دیدگاه مدرن تفاوت نگرش به طبیعت و هستی نوع رابطه انسان، طبیعت و معماری را مشخص می‌کند. در دیدگاه مدرن نوع رابطه انسان و طبیعت بیشتر نامرتب و یا در نهایت رابطه سازوارانه (مکانیکی) است. در دیدگاه عرفانی اسلامی طبیعت و هستی یک کل به هم پیوسته و یکپارچه و به هم تنیده است که تغییر در هر جزئی بر کل پیکره هستی، تأثیر می‌گذارد.

اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سراپای

با توجه به بیت بالا اگر فیزیک جدید قائل به آشوب در فیزیک طبیعت است، اما دیدگاه سنتی قائل به آشوب در تمام طبیعت است. از این رو واژه سنتی به معنی هر اندیشه‌ای است که قائل به نظم فراگیر در طبیعت باشد و کل هستی را در عین گوناگونی واحد و مرتبط ببیند (احمدی دیسفانی و علی آبادی، 19:1390).

عملکرد طبیعت در شهرسازی اسلامی

تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که اسلام سیستمی از ارزش‌ها را معرفی می‌کند که ملحوظ داشتن آن، سیر تکاملی عالم وجود و از جمله انسان را تضمین می‌کند این سیستم در بردارنده مباحث مربوط به محیط‌زیست از جمله نحوه استفاده از منابع، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آن‌ها بوده و نه تنها برای انسان بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات و گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است. (امین زاده، 102:1377). توجه به هر کدام از اهدافی که برای خلقت ذکر می‌شود. نهایتاً عبودیت خداوند را به عنوان هدف نهایی و اصلی خلقت ذکر می‌نماید. در جهت وصول به این اهداف والا تبیین فعالیت‌های حیات انسان در رابطه با طبیعت ضرورت دارد. مراحل این ارتباط شامل هدف عمل در طبیعت، روش برخورد با طبیعت و نحوه

اجرای رابطه با طبیعت است. مروری اجمالی بر متون دینی نشان می‌دهد که این سه مرحله را می‌توان در کمال بخشی، شناخت طبیعت و اصلاح و عمران زمین دانست. بدین معنا که هدف از تماس با طبیعت و به‌کارگیری عناصر و مواد آن در اعمال و فعالیت‌های باید بر کمال بخشی آن‌ها متمرکز باشد. روش این کمال بخشی بر شناخت اجزا و ارتباط آن‌ها استوار می‌باشد و نحوه اجرا می‌باید اصلاح و عمران زمین را مدنظر قرار دهد (امین زاده، 1377:102). شهر اسلامی شیفته‌ی چیرگی بر طبیعت نیست، بلکه زمینه‌ساز به‌کارگیری پسندیده‌ی آن برای فرجام زندگی آدمی است. شهر اسلامی در پی نیک‌خواهی زمین است (نقی زاده، 1385:55). بنابراین طراحی بر اساس قوانین طبیعت و به‌عنوان تصدیق نظام کلی حاکم بر آن نیز تابع فهم جامع انسان و جهان هستی است، آن‌گونه که این مفهوم جدید توحید آن را توصیف و تبیین می‌کند (بمانیان، 1386:40).

جدول شماره 8- ویژگی‌ها و عملکرد طبیعت از منظر شهرسازی اسلامی

ویژگی‌ها و عملکرد طبیعت از منظر شهرسازی اسلامی	طبیعی بودن	طبیعت در تعریف سنتی با دیگر تعاریف متفاوت است از این‌رو نوع برخورد با آن متفاوت است. طبیعت در دیدگاه سنتی، هوشمند است و نسبت به تغییرات واکنش مناسب نشان می‌دهد. طبیعت چندوجهی و لایه‌لایه است و در عین حال به هم پیوسته است. معماری و شهرسازی متناسب با این مدل قاعدتاً چندلایه و در عین حال به هم پیوسته است و نسبت به تغییرات پیرامون واکنش مناسب نشان می‌دهد. نمود آن گاهی هماهنگی شکلی شهر با شکل طبیعت است و گاهی هماهنگی روح شهر سنتی با روح طبیعت است. در این میان لایه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌تواند در شهر سنتی نمود داشته باشد. یکی از مؤلفه‌های حاکم بر طبیعت وحدت در تمام شئون آن است که اگر در شهر سنتی نمودار شود می‌توان گفت که شهر طبیعی یا سنتی است.
	بهره‌گیری از طبیعت به اندازه و بهجا	انسان در این دیدگاه نسبت به طبیعت مسئول است. از این‌رو بهره‌برداری از طبیعت در شهر سنتی اسلامی به اندازه و به‌جا است و هر فعالیتی در طبیعت باید فایده‌ای به حال مردم داشته باشد؛ بنابراین یکی از اصول حاکم بر شهر سنتی - اسلامی اصالت فایده بر فعالیت‌ها و دخل در طبیعت است. فایده در یک نظم شبکه‌ای دوسویه است؛ یعنی اگر انسان از طبیعت سود می‌برد، طبیعت نیز از این فعالیت باید سود ببرد اگر وظیفه انسان در روی زمین استعمار آن است چنین می‌توان پی برد که استعمار فایده چند سویه انسان و طبیعت را دربر دارد. اگر موجودات طبیعت به اندازه نیاز واقعی خود از طبیعت بهره‌برداری نمایند کمبودی در طبیعت به وجود نمی‌آید. شاید معنی پایداری را بتوان از این منظر جستجو کرد.
	تطابق نظامات	اگر طبیعت، انسان و معماری را در نظر بگیریم که دارای روح، نفس و جسم است تطابق و تناظری بین این سه وجود دارد و نظم واحدی بر همه آن‌ها حاکم است؛ بنابراین پایه شهر و معماری فقط کالبد و جسم نیست و پرداختن به شهر بدون در نظر گرفتن روح و نفس، معماری نظر و شهرسازی، مطابق با نظم طبیعت نخواهد بود. طبیعت بر طبق نظر ابن عربی حدی بین جسم و روح است (این محدوده را می‌توان نفس طبیعت نامید) این حدفاصل را خیال می‌نامد چون نه جسم است و نه روح و هم جسم است هم برزخ. از این‌رو نام دیگر آن برزخ است. بنابراین می‌توان گفت؛ معماری مطابق با این نظم نیز دارای چنین مراتبی است. نفس انسان نیز با این دیدگاه، خیال است. نفس طبیعت هم خیال است. از این‌رو انسان، طبیعت و شهر و معماری بین موجوداتی خیالی یا بینابینی یا برزخی هستند که در دیدگاه سنتی بین ساختار و نظم آن‌ها تطابق وجود دارد. از آنجایی که طبیعت، انسان و معماری در یک سامانه شبکه‌ای تصور شد، از این‌رو تأثیر هر بخشی بر دیگر بخش‌ها نیز قابل‌تأمل است. ظهور این موضوع در شکل شهر، پیدایش فضاهای بینابینی و خیالی در تمام شهر، از کل تا اجزاء است که به شکل سلسله‌مراتب درون و به بیرون، سلسله‌مراتب نور و تاریکی، سلسله‌مراتب خصوصی و عمومی، سلسله‌مراتب خلوت و شلوغ و غیره ظاهر می‌شود.

منبع: (نگارندگان با تلخیص از احمدی دیسفانی و علی‌آبادی، 1390: 25-26)

بحث و نتیجه گیری

ارتباط متقابل انسان با محیط و طبیعت است که شکل دهنده منظر است و برای رسیدن به توسعه و مدیریت شهری پایدار در ارتقای کیفیت زندگی مردم شهر توجه به جنبه‌های اکولوژیکی - طبیعی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، عالم طبیعت را می‌توان به‌عنوان کتابی سرشار از رموز و اسرار الهی مورد نظر قرار داد، چنان‌که در قرآن مجید نیز به آن اشاره شده است. طبیعت کتابی است که حقایق الهی در آن تجلی یافته است. به طوری‌که قرآن مجید، دائماً انسان را متوجه پدیده‌های طبیعی کرده و آن‌ها را آیات خداوند می‌خواند. به دلیل ارتباط گسترده و نزدیک اسلام با طبیعت و تأثیر آن بر دین و مذهب و اعتقادات آنان و با توجه به تأثیر ادیان و اعتقادات بر شکل و ساختار شهر می‌توان از عناصر طبیعی به‌عنوان یکی از عوامل شکل دهنده ساختار شهرهای اسلامی نام برد. نتایج حاصله از مطالعات در مورد شهرسازی اسلامی و حضور و نفوذ عوامل طبیعی در ساختار شهر مؤید این موضوع است که باوجود تفاوت زیاد در سازمان فضایی شهرها در دوره‌های تاریخی متفاوت، تداوم حضور عناصر طبیعی در دوره پیش و پس از اسلام امری انکارناپذیر است. در اثبات انطباق نظریه شهرسازی بر اساس حیات طیبه اسلامی با اقلیم‌ها و شرایط طبیعی و جغرافیایی گوناگون باید افزود همان‌طور محتوا اصلی جاری در کالبد شهرهای شکل گرفته در فرهنگ اسلامی و بر اساس شهرسازی منطبق با «حی متاله» همان عبودیت است. بینش و تعالیم اسلامی محیط طبیعی را به‌عنوان هدیه‌ای خدادادی، برخوردار از تقدس خاص می‌داند و در تمدن اسلامی به صورتی مستقیم در شکل محل سکونت بشری آشکار است. شهر اسلامی به دنبال انتظام و تعادل بین مجموعه عناصر تشکیل دهنده جامعه شهری و ایجاد توازن و هماهنگی در عموم ساختارها، رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های افراد و سامانه‌های شهری است تا در سایه تعالیم آسمانی، آرامش و آسایش توأم با تسخیر طبیعت و شکوفاترین شهروندان را در زیستگاهی آباد و خدامحور تربیت نماید. معماران مسلمان نیز مانند سایر مسلمانان شالوده‌های معماری و شهرسازی مسلمانان را شکل دادند که در آن توجه به جنبه‌های روحانی محیطی شاخص اصلی قلمداد شده است. نتایج نشان می‌دهد که مفهوم طبیعت در اکثر فرهنگ‌ها و تمامی ادیان مورد احترام و توجه است. در فرهنگ ایران باستان طبیعت از چهار عنصر (آب، خاک، باد و نور) تشکیل شده است. در فرهنگ اسلامی نیز این عناصر و پدیده‌های دیگر طبیعت به‌عنوان نشانه‌هایی از وجود خداوند و عاملی برای تذکر و یادآوری است. رویکردی که در فرهنگ ایرانی و اندیشه اسلامی به طبیعت وجود دارد رویکرد هماهنگی با طبیعت است. ایدئولوژی اسلامی تأثیر فراوانی بر ساخت کالبدی، شهرها داشته است و با اندیشه‌ها، مفاهیم و عقاید معماران و شهرسازان مسلمان در ساختن شهر اسلامی کاملاً موافق بوده است. همچنین، جمع‌گرایی و باهم بودن یکی از مؤلفه‌های شهرسازی اسلامی است که مراحل کامل‌تر آن در پوشش قرار دادن تمام طبیعت اعم از انسان و دیگر

اجزای طبیعت است. شهرسازی اسلامی با تمام اجزای طبیعت در سازگاری است؛ از این رو مانند طبیعت، کالبد آن دائم در حال تغییر است در حالی که روح شهر مراحل تکاملی خود را طی می‌کند. از این رو نام شهر اسلامی را می‌توان شهر طبیعی نیز نامید. از ویژگی‌های دیگر شهر اسلامی که در سایه ظهور عدالت حاصل می‌شود؛ حکمت، امنیت، تغییر مدام به جهت پاسخ به نیازهای جدید، ارتباط اجزا با هم و همه با کل، بهره‌گیری اجزا از طبیعت به اندازه و به جا و در نهایت هماهنگی نظامات در شهر و طبیعت است. در پایان، باید گفت که شهر اسلامی با توجه به ساختار کالبدی آن دارای یک نوع هماهنگی بین محیط کالبدی با اقلیم و محیط طبیعی، عملکردهای مجاور محیط با نیازهای انسان و محیط، و ویژگی‌های روحی و فیزیولوژیکی انسان وجود دارد.

منابع

1. احمدی دیسفانی، یدالله و علی آبادی، محمد. (1390). کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی، فصلنامه باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره 19، صص 17-30.
2. اردلان، نادر و بختیار، لاله. (1380). حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
3. اسکالی، فوزی. (1377). ناس شهر مولای ادریس دوم، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، فصلنامه مشکوه، شماره 58-59.
4. امین زاده، بهناز. (1377). جهان بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به محیط زیست، نشریه محیط شناسی، شماره 30، صص 97-106.
5. امین زاده، بهناز و نقی زاده، محمد. (1382). الهام از میراث طبیعی در ساخت محیط زندگی، مجله پیام سبز، شماره 21.
6. امین زاده، بهناز. (1379). مبانی امنیت در شهر اسلامی، فصلنامه پژوهش، شماره 4.
7. بحرینی، سیدحسین و احمدی ترشیزی، میترا. (1378). بررسی زمینه های تعادل زیستی در ساختار شهر، فصلنامه محیط شناسی، شماره 23.
8. بزی، خدارحم. (1389). تأملی بر محیط زیست و پایداری آن در جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
9. بemat، نجم الدین. (1369). شهر اسلامی، ترجمه: محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران.
10. بمانیان، محمدرضا و عظیمی، فاطمه. (1389). انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 2، صص 39-48.
11. بمانیان، محمدرضا. (1386). بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، شماره 5، جلد 18، ویژه نامه معماری و شهرسازی، صص 37-44.
12. پایلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (1382). نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ اول.
13. پاک، محمدرضا. (1387). پارادایم شهرسازی اسلامی، وقف و حفظ محیط زیست، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
14. پیرنیا، محمدکریم. (1370). درباره شهرسازی و معماری سنتی ایران، مجله آبادی، سال اول، شماره اول.
15. جوهری، فرخنده، پورجعفر، محمدرضا، مثنوی، محمدرضا و حقیقت بین، مهدی. (1392). بررسی ارتباط بین ابنیه شاخص شهری به کمک عناصر طبیعی، مورد مطالعه: منطقه پیرامون هسته قدیمی شهر کرج، فصلنامه مدیریت شهری، شماره 31، صص 189-204.
16. حبیبی، محسن. (1386). از شار تا شهر، دانشگاه تهران، چاپ هفتم، تهران.

17. خسروی، غلامرضا. (1389). ویژگی‌های شهر اسلامی، سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
18. خیرآبادی، مسعود. (1376). شهرهای ایران، مترجمین: حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، نشر نیکا، مشهد.
19. دانش، جابر. (1389). مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، صص 15-31.
20. رحیمی، حسن. (1386). در جستجوی شهر اسلامی پایدار، نشریه پیک نور، شماره 2، صص 98-90.
21. رحیمیون، علی‌اصغر. (1390). هویت بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی، نمونه موردی؛ شهر همدان، فصلنامه هویت شهر، شماره 9، صص 93-104.
22. رضازاده، راضیه. (1385). طبیعت در شهر و شهرسازی معاصر، مجله آبادی، شماره 17، صص 97-98.
23. رفیقدوست، رضا و شهبان، پویا. (1387). قرآن و شهر اسلامی، نشریه پژوهش دینی، شماره 16.
24. رهنمایی، محمدتقی و شاه حسینی، پروانه. (1384). فرآیند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت، تهران.
25. رهنمائی، محمدتقی. (1369). مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا)، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، تهران.
26. شاطریان، محسن، اشنویی، امیر و گنجی پور، محمود. (1393). طبیعت و شهر در تعالیم و فرهنگ اسلامی، انتشارات مرسل.
27. شکویی، حسین. (1372). جغرافیایی اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
28. شکویی، حسین. (1392). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ شانزدهم، انتشارات سمت، تهران.
29. شکویی، حسین. (1390). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی)، جلد دوم، انتشارات گی‌تاشناسی، چاپ هشتم، تهران.
30. صارمی، حمیدرضا و صارمی، مسعود. (1390). تحلیل جایگاه شهر و زیبایی در هنر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 4، صص 101-113.
31. عبدالستار، عثمان. (1376). مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
32. فیاض‌انوش، ابوالحسن و سنائی‌راد، عباسعلی. (1387). شاخصه‌های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
33. قرآن کریم.

34. قوام‌پور، انسیه. (1392). جایگاه عناصر طبیعی در هویت شهرهای ایرانی، پورتال سازمان زیباسازی شهر تهران، (zibasazi.ir).
35. کوئو، پائولو. (1384). تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، انتشارات شرکت عمران و بهسازی، تهران.
36. لنینج کوین. (1384). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
37. مجتهدی، بهار. (1389). رودخانه خشک تبریز؛ محور پایداری شهر، مجله منظر، شماره 9، صص 14-17.
38. محمدی، جمال و شیخ‌بیگلو، رعنا. (1387). کارآیی شهر اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری امروز، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
39. مستوفی‌الممالکی، رضا. (1382). جغرافیای کشورهای اسلامی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.
40. معینی، مهدیه. (1391). بازشناسی اصول کیفی مسکن در ارتباط با طبیعت از منظر جهان‌بینی اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 9، صص 83-96.
41. نصر سید حسین. (1386). ادبیات و هنر در تمدن اسلامی، به نقل از سایت: (www.iran_eng.com).
42. نقره‌کار، عبدالحمید. (1381). هویت و بحران آن در اندیشه معماری و شهرسازی معاصر، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری دانشگاه علم و صنعت، تهران.
43. نقی زاده، محمد. (1392). شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس، کتاب ماه هنر، شماره 177.
44. نقی‌زاده، محمد. (1385). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان.
45. نقی زاده، محمد. (1384). جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
46. یزدگرد، فاطمه. (1390). بازآفرینی پایداری با تأکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (بررسی موردی؛ رود دره مقصود بیک تهران). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 5، صص 79-94.

47. *Abaidoo, S. (1997). Human-nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics. PhD Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada.*

48. *Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic City: History Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance, International Journal of Middle East Studies, Vol.19, No. 2, PP. 155-176.*

49. *Benton Short, L, and Short, J. (2008), Cities and Nature, Londen and NewYork, Routledge.*

50. *Erlhoff, M. & Marshall, T. (2008). Design Dictionary, perspectives in Design Terminology, Birkhauser.*

51. *Guattari, F. (2000). The Three Ecologies. Trans. Ian Pindar & Paul Sutton, London & New Brunwick, NJ: The Athlone Press.*

52. *Hakim, B. (1986). Arabic Islamic cities: Building and Planning Principles, Kegan Paul, London.*

53. *Mostafavi, M. (2010). Ecological Urbanism, Harvard University Graduate School of Design, Lars Muller Publishers.*
54. *Saoud,R.(2002.) Introduction to the Islamic City.*
55. *Seo, J.K.(2002). Re-urbanization in Regenerated Areas of Manchester and Glasgow: New Residents and the Problems of Sustainability.*